

دنبال آرامش جامعه نیستند

سعید شریعتی عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت:

سعید شریعتی، فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت، می‌گوید سعید جلیلی برای مناظره با حسن روحانی چیزی برای دفاع و ارائه ندارد. او می‌گوید بعید است چنین مناظره‌ای انجام شود اما در صورت برگزاری، این مناظره منجر به رسوایی جریان سعید جلیلی خواهد شد.

از زمانی که بحث مناظره سعید جلیلی و حسن روحانی پیش آمد، یکسری از اصول‌گراها و رسانه‌های اصول‌گرا توصیه می‌کنند که کشور نیاز به آرامش دارد و نباید بحث مناظره را ادامه داد. برداشت‌تان از این تحلیل‌های اصول‌گراها چیست؟

آنها دنبال آرامش نیستند. علت مخالفت‌شان با این مناظره هم این است که می‌دانند در این مورد منطق آقای روحانی بسیار قوی است و آقای جلیلی نمی‌تواند از پس آقای روحانی بر بیاید. چون می‌دانند بازنده قطعی این ماجرا و مناظره، آقای جلیلی است و انجام شدن این مناظره، به رسوایی این جریان منجر خواهد شد؛ به همین علت، می‌گویند که اصل این مناظره و گفت‌وگو را کان‌لم‌یکن کنیم چون جامعه نیاز به آرامش دارد. به‌نظم چندان دغدغه آرامش ندارند. برای اینکه اگر این دغدغه را داشتند، بعد از اسنپ‌بک، افرادی به نمایندگی آنها در تریبون‌های عمومی به امثال آقای ظریف و روحانی توهین نمی‌کردند. در فضای آرامش که چنین حرف‌هایی نباید بزنند.

چند روز پیش، سعید جلیلی اعلام آمادگی کرد که در این مناظره حضور داشته باشد. هدف جلیلی از مطرح کردن این بحث را چه می‌دانید و تحلیل‌تان در این ارتباط چیست؟

از این اظهارات آقای جلیلی، هدفی در راستای خیر و صلاح ملت نمی‌بینم. آقای روحانی از ابتدای پرونده هسته‌ای ایران از سال ۸۲، رئیس تیم مذاکره‌کننده بوده است و قبل از آن هم که دبیر شورای عالی امنیت ملی بودند و ۱۵ سال در این جایگاه حضور داشت. از این جهت، فکر می‌کنم که آقای روحانی، فرد ذی‌صلاح‌تری هستند که درباره سیر پرونده هسته‌ای و پستی و بلندی‌های این پرونده حرف بزنند. آقای جلیلی، یک مقطع نزدیک ۶ سال دبیر شورا بودند و پرونده را راهبری می‌کردند. در همه ادوار این ۲۲ سال، بدترین دوران از جهت دیپلماسی هسته‌ای و پیگیری پرونده هسته‌ای، همین دوران ۸۶ تا ۹۲ بوده است. همه این اتفاقاتی که می‌بینیم، از محکوم شدن ایران در شورای حکام تا ارجاع پرونده ما به شورای امنیت، در دولت آقای احمدی‌نژاد اتفاق افتاد و قطعنامه‌های شش‌گانه‌ای که علیه ایران صادر شد و تحریم‌ها را همراه داشت و ایران را ذیل فصل ۷ قرار داد؛ همه دستاوردهای آن دوره‌ای است که آقای جلیلی سرتیم مذاکره‌کننده بود. حالا آقای جلیلی می‌خواهد از دستاوردهایش و قرار گرفتن ایران ذیل فصل هفت، دفاع کند؟ اینکه مضحک است. دستاورد آن سال‌ها که مشخص است. اینکه الان هم به اسنپ‌بک رسیده‌ایم. مسیری است که آغازکننده آن، همین فکر آقای جلیلی است. در سال ۹۹ به قول آقای روحانی فقط یک امضا لازم بود که برجام احیا شود. همه کارها انجام شده بود اما

ملی خارج شود و فضای کمیتهی بر آن غالب شود. نمونه‌های دیگر، موضعی است که فرهیختگان و قدس می‌گیرند. فرهیختگان می‌نویسند: «دعای جلیلی - روحانی آخرین چیزی است که کشور الان به آن نیاز دارد؛ اما باید از دل افتضاح برجام ایده مقاومت ملی را بازسازی کرد.» و روزنامه قدس نیز اینگونه تحلیل می‌کند: «شاید آقایان منتظرند رهبر معظم انقلاب هر روز از ضرورت انسجام ملی و وحدت بگویند و این بار مستقیم همین دو بزرگوار را خطاب قرار دهند و زمان‌شناسی‌شان را به رویشان بیاورند تا آقایان بفهمند الان زمان مذاکره و کنایه و دعای سیاسی نیست.»

جهان‌نیوز، سایت نزدیک به علیرضا زاکانی هم می‌آورد: «هر چند که در موضع صحیح، عقلانی و تسلط‌مآل‌زدنی دکتر جلیلی پیرامون پرونده هسته‌ای ویرجام‌تردیدی نیست اما نباید به بازی چیده‌شده روحانی برای فرار از محکمه افکار عمومی به دلیل ۱۰ سال خسارت به کشور و هدر دادن یک دهه از عمر ملت بزرگ ایران ورود کرد.»

غیرمخالف‌ها: در این میان، دورسانه دیگر هستند که موضعی خنثی می‌گیرند. یعنی نه مانند رسانه‌های دسته اول مذاکره را منع می‌کنند و نه علناً دعوت به مناظره می‌کنند. کیهان، بدون اینکه موضوع مناظره را رد یا قبول کند، می‌نویسد: «طیف اشرافی مدعی اصلاحات-اعتدال به جای پاسخ به افکار عمومی در قبال برجام و سیاست‌های ناکارآمد و نارضانی‌تراش خود، فراکنی می‌کند و دکتر سعید جلیلی را آماج حملات خود قرار می‌دهد. نقدهای مستدل و مستند او برای طیف دروغ‌پرداز و فریبکار قابل تحمل نیست. جریان غربگرا که برجام را به کشور تحمیل کرد، منتقدانی را می‌کوبد که این توافقی را خسارت محض ارزیابی کردند.» و جانپوز هم، پس از حمله به روزنامه قدس بابت مخالفت این روزنامه با مناظره، اینگونه می‌نویسد: «جریان غربگرا باید بداند که دوران بزک کردن شکست و طلبکار شدن از جایگاه متهم به پایان رسیده است. مطالبه امروز ملت، نه‌مناظره‌های نمایشی، بلکه پاسخگویی شفاف درباره علت به‌باد دادن منافع ملی، پذیرش توافقی بر از حفره‌های امنیتی و حقوقی، و خسارت‌های جبران‌ناپذیری است که دولت شما بر کشور تحمیل کرد.»

سه ابهام

درباره آنچه در این موضوع گذشته است، به سه محور به عنوان ابهام‌های ماجرا؛ می‌توان اشاره کرد:

حسن روحانی یک سال قبل پیشنهاد مناظره را مطرح کرد. اینکه چرا سعید جلیلی بعد از یک‌سال و در مقطعی که کشور در وضعیت مبهم است به این پیشنهاد واکنش نشان داد؛ نکته‌ای جالب توجه است. البته شاید گفته شود که جلیلی قبول پیشنهاد مناظره را در واکنش به سوال یکی از حضار در جلسه مطرح کرده است که البته دلیلی منطقی و عقلانی نیست. او پیش از این در ماجرای دعوت به مناظره از سوسی‌زنگنه نشان داده بود که طفره رفتن را خوب بلد است. این بار هم آسمان به زمین نمی‌آمد که مثلاً می‌گفت «به علت نیاز کشور به آرامش، الان طرح چنین مباحثی به صلاح نیست.»

می‌گویند سنگ‌بزرگ علامت‌نزدن است. آنجا که حق قانونی حسن روحانی را در پاسخ دادن به اتهامات انتخاباتی در صداوسیما نادیده گرفته شد و به او تریبون داده‌نشد؛ درباره مناظره‌ای که ممکن است خیلی نکات در آن بیان شود، بعید است همراهی اتفاق بیفتد و شاهد نرمش برای انجام آن باشیم. شاید از آنجایی که خود سعید جلیلی هم می‌داند که سیستم اجازه برگزاری چنین مناظره‌ای را نخواهد داد؛ آن را قبول کرده است که به نوعی شاید دست پیش را گرفته باشد و گرنه شاید اگر امکان برگزاری مناظره فراهم بود؛ همان راهی را می‌رفت که درباره مناظره با بیژن نامدار زنگنه رفته بود.

اصلاً مناظره برگزار شود یا نشود؛ آیا فرقی به حال وضعیت امروز کشور دارد؟ قطعاً خیر. فرقی به حال امروز ایران نخواهد داشت و قرار نیست زمان به عقب برگردد. ولی نکته اصلی این است که به هر حال ابهامات مهمی وجود دارد و رفع ابهام، می‌تواند به درس گرفتن از تاریخ کمک کند.

وضعیت «نه جنگ، نه صلح» قرار گرفته؛ می‌خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و گذشته خود را پاک کنند. در حالی که این تلاش‌ها

آب در هاون کوبیدن است و تمام مردم ایران می‌دانند و بر تاریخ واقف هستند که این جریان تند افراطی بود که در جناح اصول‌گرا شکل گرفت و از دوره احمدی‌نژاد کشور را به انحراف برد و حالا در چنین شرایطی که نیاز است همه دست‌به‌دست هم دهند و دولت را کمک کنند؛ این آقایان چنین رفتارهایی را انجام می‌دهند.

آیا سیستم اجازه برگزاری چنین مناظره‌ای را خواهد داد؟

بعید می‌دانم چنین اجازه‌ای برای برگزاری مناظره داده شود. بالاخره قوه عاقله نظام، در چنین شرایطی در اندیشه حفظ منافع ملی است. شرایط کشور خطیر است و تهدید می‌شویم. زمانی که تهدید نکرده بودند، حمله نظامی انجام دادند؛ الان که تهدید می‌کنند؛ وضعیت خطریر است. حالا در چنین وضعیتی، افرادی که با ندانم‌کاری‌هایشان باعث شده‌اند این قطعنامه‌ها صادر شوند، بحث مناظره را پیش می‌کشند تا جو کشور متشنج شود. قوه عاقله نظام هم این موضوع را خوب درک می‌کند و همانطور که گفتم، بعید است اجازه متشنج شدن اوضاع را بدهد. نکته دیگری که جا دارد به آن اشاره کنم، این است که امیدوارم قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی نسبت به‌همه جریان‌های کشور نگاه عادلانه‌ای داشته‌باشد. همانطور که روی جماعت اصلاح‌طلب و میانه‌رو حساس هستند و سخت‌گیری می‌کنند؛ امیدوار هستیم کسانی که باعث و بانی صدور آن قطعنامه‌ها شدند و الان هم در پی برهم زدن انسجام هستند را هم رصد کنند و مانع از این شوند که افرایطون، انسجام کشور را خدشه‌دار کنند.

گفت‌وگو

سید علی‌آقازاده عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه:

هیچگاه مناظره انجام نخواهد شد

سیدعلی‌آقازاده، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه و از مدیران دولت حسن روحانی، در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است هیچگاه مناظره حسن روحانی و سعید جلیلی انجام نخواهد شد.

پس از بحث اسنپ‌بک، بحث درباره مناظره حسن روحانی و سعید جلیلی مطرح شد که حتی در پی سخنان جلیلی به واکنش‌های متفاوت در میان اصولگرایان نیز مطرح شد. تحلیل برداشت شما از این ماجرا چیست؟

در طول ده سال گذشته، افراد تندرو هم در ایران، هم در اسرائیل و غرب یک ساز می‌زنند؛ مفهومش این است که مخالف جدی مذاکره و به نتیجه رساندن مشکلات ایران و غرب هستند. متضراً، مخاصمه‌ای که بین ایران و غرب وجود دارد، اول ایران است؛ علت هم این است که با هماهنگی که آنها دارند، می‌توانند فشار اقتصادی را روی ایران زیاد کنند. در این مدت، هر زمانی که قرار بود، ایران و غرب بنشینند و بعد از ۴ دهه مشکلاتشان را طرح و نسبت به آنها تصمیم‌گیری کنند چنین رفتارهای سلبی دیده شده. من فکر می‌کنم تندرهای دو طرف، منافع مشترکی دارند و این منافع مشترک اول اقتصادی است و دوم سیاسی و در آخر نظامی است. ما می‌دانیم که اسرائیل نیاز به دشمن جدی و واقعی دارد؛ این دشمن‌تراشی می‌تواند اسرائیل را در منافع‌اش پیش‌برد و آن دشمن فرضی را امروز با اسم ایران هراسی متوجه ایران کرده است. یک اقلیت هم آب به آسیاب دشمنان می‌ریزند و آن هم تندرهای داخلی‌اند. آنها می‌دانند که اگر شرایط در کشور به گونه‌ای باشد که کار دست‌افرادی باشد که دلسوز واقعی کشور هستند؛ حتماً وضعیت معیشت مردم بهتر و به شکل قابل توجهی جلوی برخی از رانت‌ها و کاسبی‌ها گرفته می‌شود. حتماً دولت آقای روحانی هم موی دماغ این تندرهای بود و دیدیم که در حالی که برجام را در ابتدای دولت، با دلسوزی پیش بردند و مورد تأیید مقام رهبری هم بود؛ اما به شکل‌های مختلف و با کوچک‌ترین بهانه‌ای سعی می‌کردند آن را برهم بزنند نه‌این‌تا در سال ۹۸ با بیرون رفتن ترامپ از برجام، فرصت طلایی نصیب تندرهای داخلی شد که همصد، همگام و هم‌فکر با دولت تندرو آمریکا بود. دولت وقت، عقلانیت کرد و از برجام بیرون رفت چون اگر می‌رفت، سبلی از مشکلات و به وجود می‌آمد. اگر جلوی تندرهای داخلی گرفته شود و تریبون‌هایشان را نداشته‌باشند و ایران و غرب مشکلاتشان را حل کنند، قطعاً ایران می‌تواند قوی‌تر باشد و رفاه بیشتری را برای مردم بیابد؛ امروز در مجامع بین‌المللی، ایران حتی روی دوستان اندکش هم نمی‌تواند حساب کند. چه برسد به اینکه بخواهد حرفش را با کشورهای دیگر بزند. شرایط به نحوی است که حتی کشورهای دوست مثل چین و روسیه هم در بزنگاه‌ها منافع ملی خود را در نظر خواهند گرفت، زیرا امروز در دنیا، حرف اول را اقتصاد می‌زند و بعد از آن منافع سیاسی. از زمانی که دولت حسن روحانی تمام شده، انواع مسائل درباره خود ایشان و دولت‌شان از تریبون‌های مختلف بیان می‌شود و فرصت دفاع را نداده‌اند و الان بحث مناظره را مطرح کرده‌اند.

آیا اصلاً توان و اراده‌ای را دارند که به امثال حسن روحانی تریبون بدهند؟

هیچگاه این مناظره اتفاق نخواهد افتاد. از جایی که در دولت آقای روحانی مسئولیت داشتیم، می‌دانم که آقای جلیلی هیچگاه در موضوع کرسنت توضیح نمی‌دهد. می‌دانم که درباره عملکرد آژانس در دوره ایشان و تصمیمات شورای عالی هیچ‌وقت مناظره‌ای نخواهد کرد. اگر مناظره آزاد برگزار شود، آقای جلیلی هیچ حرفی برای دفاع از عملکرد خودش ندارد. این‌ها اقلیتی هستند که رسانه‌هایی مثل صداوسیما و کیهان را دارند. مطمئن باشید، برای فرار از مناظره‌ای شفاف‌کننده هزار دلیل و بهانه می‌آورند که این مناظره انجام نشود.

در بحث کرسنت چرا سعید جلیلی حاضر به مناظره با بیژن نامدار زنگنه‌نشد؟

دلیل همان است که گفتیم، این‌ها عادت کرده‌اند حرف‌هایشان را یک‌طرفه بزنند، ولی زمانی که بخواهند در محکمه قضاوت مردم، حساب‌کشی و حساب‌رسی شوند؛ هیچگاه حضور پیدا نخواهند کرد. زیرا اگر حضور پیدا کنند، اعداد، ارقام و آمارها نشان‌دهنده محکومیت این‌ها در فرصت‌سوزی‌هایی است که در دهه‌های گذشته داشته‌اند.

